



فیلو سرما خورده!

● مریم سعیدخواه
● تصویرگر: پریزاد جمالی

کرگدن چندبار در خانه‌ی فیلو را زد. میمونک از روی درخت با صدای بلند داد زد: «فیلو! فیلو! زود بیا. دیر می‌شود.»
فیلو در را باز کرد. کرگدن که پشت در ایستاده بود، یکپهو پرید عقب. میمونک جلورفت تا ببیند چه اتفاقی افتاده است. تا چشمش به فیلو افتاد، زد زیر خنده. فیلو سر و کلاهش را با چند ملافه بسته بود. کرگدن جلو رفت و گفت: «این شکلی می‌خواهی بیایی برف‌بازی فیلو؟!»



فیلو تا آمد حرف بزند، سرفه‌اش گرفت. با صدای گرفته گفت: «سرم، سرم خیلی درد می‌کند.» بعد دوباره سرفه کرد و در را بست و رفت تا بخوابد.
میمونک به کرگدن نگاهی کرد و گفت: «زود باش برویم. الان برف‌ها آب می‌شوند!»
کرگدن سرش را تکان داد و گفت: «یعنی فیلو را با این حال تنها بگذاریم؟!»
میمونک و کرگدن کمی فکر کردند. بعد میمونک رفت و دکتر فیلا را آورد. کرگدن هم کمی آب‌میوه و سوپ آماده کرد. دکتر تا فیلو را معاینه کرد گفت: «سرما خورده‌ای! اگر خوب استراحت کنی و این آب‌لیمو، پرتقال و سوپ را بخوری، خیلی زود خوب می‌شوی فیلو جان. فراموش نکن در هوای سرد باید لباس گرم بپوشی تا سرما نخوری.»

به این قصه گوش بده.



والدین و مربیان عزیز، پس از خواندن این قصه، برای ارتقاء دقت شیداری کودک می‌توانید این سؤال‌ها را از او پرسید: ۱- برای اینکه در زمستان کمتر سرما بخوریم، چه کارهایی می‌توانیم انجام دهیم؟ ۲- دوستان فیلو برای کمک به او چه کارهایی انجام دادند؟

